



## درآمدهای بالایی که مانع از فقر فرهنگی نمی‌شود

ما ایرانیان از فقر و مشکلاتی که در جامعه با آن مواجه هستیم به شدت رنج می‌بریم و اگر پای صحبت هر ایرانی بنشینیم،

ما ایرانیان از فقر و مشکلاتی که در جامعه با آن مواجه هستیم به شدت رنج می‌بریم و اگر پای صحبت هر ایرانی بنشینیم، مشاهده می‌کنیم که از زمین و زمان شاکی و در تکاپو و جست‌وجوی مسیری هموار برای مشکل خود هستند تا از آن خلاص شوند و جالب این است که برخی راه‌حل مشکل خود را درآمد بیشتر می‌دانند و می‌پندارند اگر درآمد زیادی داشته باشیم همه مشکلات حل خواهد شد.

به گزارش ایسنا، اما گاهی اوقات مشکلاتی که پیش روی زندگیمان قرار می‌گیرد، از فقر مادی و درآمدی نیست، بلکه از فقر فکری، فرهنگی و رفتاری است که در عذاب آن غرق شده‌ایم و کاری هم در این خصوص انجام نمی‌دهیم، چرا که تصور می‌کنیم مشکلات تنها با پول حل می‌شود.

یکی از موضوعات فرهنگی که کمتر به آن می‌پردازیم و نوعی فقر تلقی می‌شود؛ عدم مطالعه است و سوالی که در این‌جا به ذهن می‌رسد این است که ما چند بار برای حل مشکلات خود به کتاب پناه بردیم و راه حل آن را از کتاب درخواست کردیم. گاهی اوقات مقصر به وجود آمدن مشکلات، خودمان هستیم چراکه اگر کتاب بخوانیم نسبت به مسائل مختلف آگاه‌تر می‌شویم، به دیگران بی‌احترامی نمی‌کنیم و در نهایت به آرامشی که به دنبال آن هستیم دست پیدا خواهیم کرد.

تاخر فرهنگی تحت تاثیر فقر فرهنگی است

در این رابطه دکتر غلامرضا حسنی ڈرمیان، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی در گفت‌وگو با ایسنا، می‌گوید: برای اینکه بدانیم فقر فرهنگی چیست باید تعریفی از فرهنگ داشته باشیم که با تعاریف متعددی روبرو خواهیم شد، اصولاً فرهنگ در دو بخش معنوی و مادی تقسیم می‌شود و گاهی از تاخر فرهنگ برمی‌خیزد و در دوره‌های ما با توسعه و بروز تکنولوژی مواجه هستیم، تاخر فرهنگی تحت تاثیر فقر فرهنگی است و در سطح عمومی‌تر به تاخر فرهنگ ربط داده می‌شود که این فقر ناشی از پایین بودن سواد عمومی است.

این جامعه‌شناس تصریح می‌کند: اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و نیز سنن بدانیم، در اصل فرهنگ را تعریف کرده‌ایم و هرآنچه که از نسلی به نسل دیگر منتقل شود از آن می‌توان به عنوان یک فرهنگ یاد کرد و تعریف دیگری که می‌توان در این زمینه گفت این است که فرهنگ مجموعه عقاید مشترکی است که بر مبنای عملکرد افراد صورت می‌گیرد.

وی عنوان می‌کند: از دیدگاه جامعه‌شناختی، فرهنگ این دو مقوله معنوی و مادی را در برمی‌گیرد و ما نمی‌توانیم فرهنگ مادی را از معنوی جدا کنیم، چراکه اگر جامعه‌ای تکنولوژی، صنعت و یا کالایی را وارد می‌کند، گاهی به عنوان فرهنگ مادی تلقی می‌شود و باید شیوه استفاده از آن ابزار، تکنولوژی و یا فرهنگ مادی را به خوبی بدانیم و این‌جاست که متوجه می‌شویم میان فرهنگ مادی و معنوی رابطه وجود دارد.

نداشتن پویایی و آگاهی لازم منجر به فقر فرهنگی می‌شود

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی اظهار می‌کند: ممکن است جوامع در حال توسعه باعث تشدید و یا شکاف فقر فرهنگی در جامعه شوند، بدین منظور که با آمدن ابزارهایی مانند تکنولوژی و ماهواره، نتوانیم به درستی از آن‌ها استفاده کنیم و این موضوع تحت تاثیر فقر فرهنگی قرار می‌گیرد و دلیل اینکه ما نمی‌توانیم از ابزارهای مختلف به درستی استفاده کنیم، آگاهی نداشتن به چگونگی استفاده از ابزار است و این موضوع ریشه در نداشتن پویایی لازم برای فرد و جامعه است که منجر به فقر فرهنگی می‌شود.

حسنى دُرْميان مې وازېد؛ افراډى ممکن است رېشه به وجود آوردن فقر فرهنگى را احساس نکند، زېرا آن پوډياى و توسعه لازم را ندارند، بنا براین فقر فرهنگى را مې وازېد؛ توان فقر مقابسه وازېد؛ اى نام برد چراکه وقتى جوامع گسترده با هم قياس وازېد؛ شونډ علاوه بر جنبه تمدنى، ممکن است به لحاظ فرهنگى هم احساس عقب ماندگى و فقر کنند.

وى مې وازېد؛ گوید: احساس فقر فرهنگى موجب بيدارى فرهنگى مې وازېد؛ شود اما این امکان وجود دارد که حقارتى را به همراه داشته باشد تا فقر فرهنگى را تامين کند، در نتیجه بايد فرهنگ مادی و معنوى را با هم پېش ببريم و هر چه جامعه وازېد؛ تمدن وازېد؛ سازتر باشد دچار شکاف وازېد؛ ها، تاخر و فقر فرهنگى کمترى خواهيم بود.

این جامعه وازېد؛ شناس خاطر نشان مې وازېد؛ کند: افراد از ایده وازېد؛ آ وازېد؛ هاى فرهنگى برخوردار هستند که در آرمان وازېد؛ هاى ما نهفته است و به طور مدام آن را در چشم وازېد؛ اندازها و حتى سياست وازېد؛ ها بيان مې وازېد؛ کنيم و اگر در واقعيات اجتماعى آن فقر را پيدا نکنيم، نوعى شکاف مادی و معنوى صورت مې وازېد؛ گيرد که ممکن است بخشى از وازېد؛ آن ناشى از فقر فرهنگى جامعه باشد.

وى اضافه مې وازېد؛ کند: تمامى کشورها با موضوع تاخر فرهنگى و در نتیجه ميزان فقر فرهنگى روبرو هستند اما سوالى که به وجود مې وازېد؛ آيد این است که تا چه ميزان فقر فرهنگى احساس مې وازېد؛ شود و معمولا کشورهاى که تمدن وازېد؛ سازتر هستند کمتر احساس فقر فرهنگى مې وازېد؛ کنند، چراکه خودشان فرهنگ را همراه با توسعه صنعتى پېش مې وازېد؛ برند.

حسنى دُرْميان تصريح مې وازېد؛ کند: از نظر بنده چگونگى استفاده از ابزار نشان مې وازېد؛ دهد که ما در فرهنگ وازېد؛ سازى بايد معطوف به انسان باشيم نه معطوف به ابزار. بايد گفت هر چند که ابزار برای توسعه فرهنگ لازم است اما به عنوان آثار تمدنى به شمار نمى وازېد؛ آيد و چيزى که مهم وازېد؛ تر از همه محسوب مې وازېد؛ شود، معنائى است که از این ابزار و يا فرهنگ درونى که آن را به ابزار مفيد تبديل مې وازېد؛ کند، رشد فرهنگى ايجاد کنيم و فرهنگ معنوى افراد و چگونه استفاده کردن را به آن وازېد؛ ها ياد دهيم، در نتیجه انتخاب این وسيله معقول وازېد؛ تر، مشهودتر و دقيق وازېد؛ تر خواهد شد.

وى با بيان اینکه ما این موضوع را در جامعه وازېد؛ شناسى نمى وازېد؛ پذيريم که جامعه بى وازېد؛ فرهنگ است، اظهار مې وازېد؛ کند: در سطوح فرهنگ، فقر فرهنگى و نیز تاخر فرهنگى وجود دارد و شکاف ميان فرهنگ مادی و معنوى که هرکدام تاخر فرهنگى را در خود تداعى مې وازېد؛ کند بايد به این سوال پاسخ داد که فقر فرهنگى درون وازېد؛ زاست يا برون وازېد؛ زا.

عضو هيات علمى دانشگاه فردوسى عنوان مې وازېد؛ کند: فقر فرهنگى بعضى جوامع حاصل فقر تمدنى و نیز در راس اقتصادى است که با يکديگر تنیده مې وازېد؛ شود، بدین معنا که ممکن است فقر اقتصادى هم به فقر فرهنگى کمک کند و در واقعيت اجتماعى، متغيرها از يکديگر مجزا نیستند.

وى مې وازېد؛ افزايد: برای اینکه ما واقعيت فرهنگ را به صورت تخصصى وازېد؛ تر بشناسيم بايد موضوعات مختلف را تفکيک و مراقب باشيم که فقر فرهنگى به صورت ساختارى تشکيل مې وازېد؛ شود، به این صورت که افراد و نهادها در کدام سطح از این فقر قرار دارند و پايين بودن سطح تحصيلات به نوعى فقر فرهنگى است و اگر شاخص وازېد؛ هاى توسعه انسانى در جامعه پايين باشد نشان از فقر فرهنگى و يا اینکه جامعه وازېد؛ اى در رکود قرار دارد و پېشرفتى صورت نگرفته است.

وى مې وازېد؛ گوید: جامعه وازېد؛ اى که فقر اقتصاد و فرهنگ آن با هم است؛ يکديگر را تامين مې وازېد؛ کنند و برای اینکه فقر فرهنگى کاهش يابد، بايد اقدامات متعددى صورت گيرد که در کنار این اقدامات، موضوعات وازېد؛ اقتصادى هم وجود دارد و رفتن به سمت فرهنگ به عنوان يک نیاز، در اصل پس از رفع نیازهاى زيستى مطرح مې وازېد؛ شود و در آن طبقه وازېد؛ بندى مادی وجود دارد و مې وازېد؛ توان از آن عبور کرد.

حسنى دُرْميان با بيان اینکه در جامعه، انسان وازېد؛ هاى هستند که از نظر اقتصادى در سطوح پايينى قرار دارند و امروزه به لحاظ برداشت وازېد؛ هاى که وجود دارد و در واقع نیازها از افراد عبور مې وازېد؛ کند، خاطر نشان مې وازېد؛ کند: آنچه که برای از بين بردن فقر فرهنگى وجود دارد، گسترش نظام وازېد؛ هاى آموزشى رسمى و غير رسمى است و نهادهاى رسمى رسانه وازېد؛ ها در فقر زدائى فرهنگى بسيار موثر هستند و شبکه وازېد؛ هاى

اجتماعی مجازی می‌تواند در این فقر فرهنگی دخیل شده و تاثیر بیشتری در تضعیف آن داشته باشند.

این جامعه‌شناس بیان می‌کند: بخشی از فرهنگ خوب ما، فرهنگ دینی و اصولاً آداب و مناسک دینی است و این امر هر چه درونی و سطح ایمان قوی‌تر و به نوعی به یقین رسیده باشد به فرآیند خواهد رسید، فرآیندی که از شناخت آغاز و باعث آگاهی، ایمان و یقین می‌شود و بعد در سطح عمل و ایمان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و در این مرحله فرهنگ، درونی شده است.

وی اظهار می‌کند: بنابراین هر جامعه‌ای در خطر است و از بعد فرهنگی و ابعاد دیگر، زمانی یک جامعه می‌تواند پله‌های توسعه فرهنگی خود را داشته باشد که آثار تمدنی فرهنگی با آثار فرهنگ معنوی در ارتباط است که باعث می‌شود ضایعات و آن چیزهایی که از نظر توسعه فرهنگی منجر به رکود می‌شود را از بین ببریم.

حسنی دُرْمیان می‌گوید: با توجه به اینکه انسان خردورز، اندیشه‌ورز و انتقادپذیر منصف است دارای عوامل توسعه فرهنگی خلاق و نوآوری است چراکه در مقابل هنجارهای اعتقادی راستگو است و از غیبت کردن پرهیز می‌کند و این عوامل، عناصر فرهنگی هستند که ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند و همبستگی اجتماعی را به وجود و به اشتراک می‌گذارد؛ در نتیجه توسعه فرهنگی آسیب‌ها را کاهش می‌دهد.

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی عنوان می‌کند: توسعه فرهنگی اقتصاد را پویا می‌کند و زمانی اقتصاد مقاومتی اتفاق می‌افتد که ما فقر فرهنگی را کاهش داده باشیم. زیربنا فرهنگ روبنای اقتصاد است اما در عمل ممکن است شاهد این باشیم که زیربنا اقتصاد است. ما نمی‌توانیم جامعه‌ای بدون رشد اقتصادی و بیکاری داشته باشیم اما در ابتدا کاری که می‌توان انجام داد این است که به مقوله فرهنگ بیشتر توجه کنیم.

وی می‌افزاید: گاهی ممکن است سازمان و یا هر ارگانی قوانین را صرفاً از بعد مادی دنبال کند، درحالی که مشکل بهره‌وری نیروی کار رابطه بین کارگر و کارفرما است، چگونگی تعهد اخلاقی و وجدان کاری را در برمی‌گیرد و این عوامل عناصر فرهنگی است و با این وجود در بخشی از جامعه مانند نهادها، خانواده و... فقر فرهنگی دیده می‌شود.

حسنی دُرْمیان در ادامه اضافه می‌کند: به عنوان مثال طلاق یک نوع فقر فرهنگی در زمینه شیوه سبک‌های جدید زندگی، موانع، مشکلات، ظرفیت‌ها و تهدیدهایی است که وجود دارد و اگر ما از این مسائل اطلاع نداشته باشیم به نوعی فقر فرهنگی نسبت به زیست خانواده را به وجود آورده‌ایم.

نهادهای چابک مانع از به وجود آمدن فقر فرهنگی می‌شوند.

حسنی دُرْمیان تصریح می‌کند: اگر گفته شود که فرهنگ نوعی ارزش‌ها، هنجار، باور، آداب و سنن و هر آنچه در یک جامعه انتقال پیدا می‌کند از وجه اجتماعی با رویکرد فرهنگی است و این مجموعه عقاید مشترک چگونه از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند، مقوله‌ای به نام گزاره‌های فرهنگ وجود دارد که فرهنگ از طریق گزاره‌های فرهنگی انتقال پیدا می‌کند.

وی می‌افزاید: خانواده، رسانه، آموزش و پرورش از کانال‌های اجتماعی شدن عبور می‌کنند بدین منظور امروزه رسانه‌ها نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کنند و همه این ارزش‌ها و باورهایی که عنوان شد گزاره فرهنگی است و قطعاً رسانه‌ها در درون این گزاره‌ها با ارزش‌های جامعه بیشتر آشنا می‌شوند.

وی خاطر نشان می‌کند: بنابراین برای از بین بردن فقر فرهنگی باید ساختارها و نهادهای چابک حضور داشته باشند و این چابکی در نهادها و سازمان‌هایی که انتقال دهندگان فرهنگ هستند بسیار موثرتر خواهد بود و اگر هدایتگران عامل به آن ارزش‌ها، ملی مذهبی باشند قطعاً انتقال فرهنگ در میان مردم و جوامع تقسیم می‌شود.

این عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی اظهار می‌کند: زمانی که ما از وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (س) نام می‌بریم باید نمونه عینی آن را در بخشی از جامعه و در الگوهای رفتاری هنجارساز مشاهده کنیم و یا هنگامی

که از حضرت علی (ع) به عنوان سنبل عدالت و خواهی و اصلاح و طلبی در تحقق دینی صحبت می‌کنیم به عقیده بنده یک اصلاح و گر واقعی در زمان خودش است و برای آن تا پای جان مبارزه می‌کند.

فرهنگ اسلام، فرهنگ ضد جهل است

حسینی دُرمیان با بیان اینکه فرهنگ اسلام فرهنگ ضد جهل است و از ادیان مخالف جهل است، تصریح می‌کند: دوره قبل از اسلام دوره جاهلیت بود، دوره و ای که فرهنگ با جهل همراه بود. جهل یعنی جامعه جاهل که دچار فقر فرهنگی است، بنابراین اسلام با هر نوع جهلی مانند فقر فرهنگی، اقتصادی و یا فقر سیاسی مبارزه می‌کند اما زمانی که از زاویه غیر تولیدی، حزب و گرایبی و گاهی با پوشش مذهبی و گرایبی به آن نگاه و یاد می‌شود، در واقع خدا را در محور این شناخت مداخله نمودند.

این جامعه و شناس می‌گوید: منطقه ما دچار فقر فرهنگی می‌شود و ممکن است که آن را به دین هم نسبت دهیم و این همان انحراف متودولوژیک است؛ دو تغییری که با هم در تغییرند و لزوماً رابطه علت و معلولی ندارند و اگر در جوامع اسلامی فقر فرهنگی و فقر اقتصادی مشاهده می‌شود این نه حاصل تفکر دینی و یا ناشی از خداوند است بلکه از این است که ما آن را به درستی اجرا نمی‌کنیم، فقر ما حاصل این است که ما اهل مطالعه نیستیم و این درحالی است که اسلام در اولین سوره نازل شده به پیامبر (ص) می‌گوید: «اقرا»؛ بخوان، بدان و آگاه باش؛ بدین منظور که فقر فرهنگی نداشته باشیم، چراکه اگر فقر فرهنگی داشتیم در مسلمانی ما اشکالاتی وجود داشت.

وی اضافه می‌کند: ارزش‌های ملی درون و در عمل من است بنابراین اگر به ارزش‌های ملی اهمیت می‌دهم در اصل برای قلمرو سرزمینم، بزرگان در عصر، نخبگان و ... ارزش قائل شدم و این ارزش را در عمل هم حفظ می‌کنم و اگر فردی به مملکت توهین کرد واکنش نشان می‌دهم.

وی می‌گوید: ما ده‌ها کتاب روشنگری می‌نویسیم بنابراین فرهنگ به وسیله خودش نوشته می‌شود، هر پدیده اجتماعی به وسیله پدیده اجتماعی دیگر باید حل شود و روش حل پدیده فرهنگی با فرهنگ است اما از ابزار دیگری استفاده می‌کنیم به عنوان مثال برای اینکه افراد در زمان رانندگی جریمه نشوند تخلف نمی‌کنند اما این امر برای همه صدق پیدا نمی‌کند و نمی‌توان تنها با جریمه کردن آن‌ها را کنترل کرد و باید به روش فرهنگی جلو برویم و از ابزار اقتصادی هم کمک بگیریم.

حسینی دُرمیان خاطر نشان می‌کند: بدین منظور که باید در درونی کردن ارزش‌های مجموعه فرهنگی از مراکز آموزشی آغاز کرد و از همان کودکی به کودکان یاد داد، البته که هر جامعه ریزش پذیری‌هایی دارد و عده و ای تابع مقررات نمی‌شوند اما باید آن‌ها را کنترل کنیم نه اینکه همه را با یک نسخه یعنی روش بیرونی کنترل کنیم و این شیوه غلط است.

وی می‌افزاید: فقر فرهنگی مقوله بسیار مهمی است و اگر تشخیص دهیم فقر فرهنگی در کدام قسمت و در چه بخشی وجود دارد سعی می‌کنیم که در انجام کارهایی دوری کنیم، فقر فرهنگی در بازار اقتصادی به هم ریختگی اقتصادی مانند رشوه ایجاد می‌کند و همچنین در حوزه اقتصادی رابطه بین مصرف کننده و تولید کننده و نیز اعتماد را از بین می‌برد اما اگر اعتماد و فرهنگ صحیح باشد آن زمان است که فرد سعی می‌کند مال حلال به دست آورد و این مقولات فرهنگ یک جامعه است.

این جامعه و شناس بیان می‌کند: اگر برای ارزش‌های فرهنگی و دینی ارزش قائل باشیم قطعاً فقر فرهنگی به وجود نمی‌آید، امر به معروف و نهی از منکر تنها زبانی نیست، فقر فرهنگی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر حاصل این است که بخشی از آن را یاد نداریم و افراد می‌توانند با آینده‌پژوهی و آینده‌نگری الگویی برای آینده باشند که مبتنی بر ارزش‌های علمی و دینی است و باید به نسل جدید آموزش دهیم.

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی تصریح می‌کند: هر فردی در شهر مشهد حقی دارد و گاهی فقر فرهنگی در زمینه حق و یا در زمینه تکلیف است، افرادی خود را حق می‌دانند و عده و ای هم تنها به تکلیف خود عمل می‌کنند و در حوزه سیاسی بسیاری از مردم به تکلیف خود مانند انتخابات عمل می‌کنند و برای

فرهنگ‌سازی؛ سرمایه طولانی مدت لازم است و به این دلیل است که افراد کمتری حاضر هستند در حوزه فرهنگ کاری انجام دهند و متأسفانه چون این امر در بلند مدت جواب می‌دهد، ما یک فرآیند در حوزه اجرایی کمتر شاهد هستیم.

وی اضافه می‌کند: ما سیاست را اجرا می‌کنیم اما رصد نمی‌کنیم، وقتی در مجلس که بالاترین مرجع قانون‌گذاری است و کمیسیون‌ها می‌خواهد تشکیل شود، بیشترین داوطلب در کدام کمیسیون و کمترین در کدام کمیسیون قرار دارد و این امر اهمیت ما را به مقوله فرهنگ نشان می‌دهد.

حسنی درمیان می‌گوید: ما باید فرهنگ را در همه جا مهم بدانیم نه اینکه فرهنگ را تنها در روزهای خاص مورد توجه قرار دهیم و اگر می‌گوییم استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ذیل این ارزش‌ها ارزش‌ها هستند و افرادی بودند که جان خود را برای فرهنگ فدا کردند و بازگشت به خویشتن خویش در اصل است و استقلال با تدبیر و نه با تحقیر به دست می‌آید.

فقر فرهنگی حاصل عدم انتقال دانش روز به یک جامعه است

این جامعه‌شناس خاطر نشان می‌کند: انتقال فرهنگ در اصل انتقال به تکنولوژی‌ها نیست، جامعه دچار فقر فرهنگی شده اما این فقر از طریق فعالیت درونی و اینکه اگر همبستگی درونی قوی وجود داشته باشد قابل ترمیم است و می‌توان از آن عبور کرد این راه سخت است اما می‌توان عبور کرد و زمانی که انسجام داخلی از بین می‌رود بدین منظور که در عنصر انسجام اختلالی ایجاد می‌شود، فقر فرهنگی تعمیق پیدا می‌کند و این فقر فرهنگی ممکن است به صورت فردی و گروهی سیاست‌گذاری الگو ما قرار گیرد و به این دلیل است که گفته می‌شود دامنه آن بسیار گسترده است.

وی می‌افزاید: هر فردی در جامعه مسئولیتی را می‌پذیرد و به نوعی دارای یک قدرت می‌شود اما اصل این مسئولیت خدمت است، ما در محیط‌های کاری برای پول فعالیت می‌کنیم اما اصل این است که انسان درستکاری باشیم و اینکه می‌خواهیم تعهد کاری را درست انجام دهیم.

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی می‌گوید: بنابراین زمانی که ما در عرصه فقر فرهنگی بگوییم که فقط برای قدرت آمدم، اگر چنین باشد تفاوتی با جهان نداریم چراکه با جهان در ارتباط هستیم و اگر ما هم قدرت را به معنای آن برداشت می‌کنیم تفاوت ما با آن‌ها در چیست که در بسیاری از موارد خود را مدعی چیزی تلقی می‌کنند.

حسنی درمیان تصریح می‌کند: عده‌ای از افراد واقعا رعایت اخلاق و فرهنگ را در کار خود انجام می‌دهند و به نوعی با یکدیگر رقابت فرهنگ دارند و این امر یک مقصد نیست که به هر قیمت به دست آید بلکه در رقابت، رفاقت هم وجود دارد آن‌جایی که مرزهای اخلاقی مطرح می‌شود و اینکه به هر وسیله‌ای فرد می‌خواهد به هدف خود برسد دچار فقر فرهنگی است و از نظر بنده نگاه مدنی در آن فرد شکل نگرفته است.

وی اظهار می‌کند: افرادی در جامعه وجود دارند که دیگری را در نظر نمی‌گیرند و این فرد دچار فقر فرهنگی است. آنچه که بر خود می‌پسندد بر دیگران هم بیسند و آنچه که خود نمی‌پسندد بر دیگران هم بیسند؛ جامعه پست مدرن به این سمت کشیده می‌شود و این گزاره کاملاً پست مدرن است اما دوست نداریم که این واژه‌ها را به هم بچسبانیم و جوامع گاهی در فقر فرهنگی دچار هستند که کرامت انسان را مدام می‌شکنند و ممکن است این فقر در جامعه مدرن هم وجود داشته باشد و تنها در کشورهای در حال توسعه این اتفاق صورت نمی‌پذیرد.

وی می‌گوید: هر انسان دارای کرامتی است که خداوند برای او قائل شده است و از این جهت که ما باید مسئله فقر فرهنگی را جدی‌تر از فقر اقتصادی بدانیم چراکه مشکلات اقتصادی زیربنای فقر فرهنگی است و این امر یک ارزش به شمار می‌رود و خداوند افرادی را دوست دارد که تلاش و کوشش می‌کنند تا کار صادقانه‌ای انجام دهند.

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی اضافه می‌کند: باید مراقبت کنیم که ارزش‌های مادی غالب بر

ارزش‌های معنوی نشود، به این معنا که همه چیز را با ارزش مادی نسنجیم و بدانیم که فرهنگ ما دارای ظرفیت‌های زیادی است و باید آگاهی مردم را بالا ببریم و هرچه که آگاهی مردم افزایش پیدا کند، فقر فرهنگی کمتر خواهد بود و خداوند می‌گوید: «اگر مسیری را که من می‌خواهم عمل کنید اجازه نمی‌دهم که عمل تو در کار و نیت خوبت اثر بخش نباشد».

وی می‌افزاید: فقر فرهنگی مهم‌ترین مشکل کشورهای اسلامی و حاصل عدم شناخت دقیق از باورهای دینی است و در فرهنگ ما زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و انسان با ازدواج، دین خود را کامل می‌کند و گاهی ممکن است که با یک کار نادرست این باور با مشکلاتی ایجاد شود.

این جامعه‌شناس اضافه می‌کند: سوالی در این‌جا به ذهن می‌رسد که آیا در باور دینی ما اشکال وجود دارد یا اینکه در فرآیندی که برای فرهنگ‌هایی که ساخته شدند دچار مشکل هستیم؛ ساختار اهداف وسیله‌ای برای هدف می‌خواهد و فرهنگ مصونیت طول عمر ایجاد می‌کند و اگر این امر در فرد درونی شود به باور درونی نزدیک می‌شود بنابراین باید مراقب باشیم که فرهنگ حفظ کردن عین ساختار ساختمان است، از این جهت که فرهنگ زیر بناست.

وی خاطرنشان می‌کند: دنیا ناشی از فقر فرهنگی درونی است و برای این امر انقلاب اسلامی به وجود آمد تا این فقر را در درون خود کاهش دهد و حالا این که چقدر موفق شده و تا چه میزان تغییر کرده است را باید محققین و پژوهشگران با استفاده از ظرفیت‌ها، تحقیقات و مسئولیت‌های خود مورد بررسی قرار دهند و به یک نتایجی دست پیدا کنند، همچنین برای حل و یا راه‌حلی‌ها، بهتر مطالبی را ارائه دهند اما باید این نکته را متذکر شد که در حال حاضر به لحاظ فقر فرهنگی در شرایط بهتری قرار گرفتیم و شاخص توسعه انسانی ما رشد کرده است.

حسینی درمیان اظهار می‌کند: گسست‌های اجتماعی در لایه‌های مختلف اجتماعی رخ می‌دهد و نمودهای آن مانند افزایش طلاق، افزایش میزان جرم زنان، فقرگرایی و... است و این عوامل همه مجموعه‌ای از خط تغییر شکل فقر فرهنگی است و فقر فرهنگی از شکل به شکلی دیگر تبدیل می‌شود و خود را در بعضی از آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد، البته که ما به یک سطح ایده‌آل نرسیدیم و به آرزمانی که اسلام از فرهنگ زن مسلمان می‌خواهد فاصله داریم.

وی می‌گوید: خانواده در فرهنگ‌سازی بسیار حائز اهمیت است اما اگر خانواده دچار فقر فرهنگی باشد و یا خانواده‌هایی که مهارت انتقال فرهنگ را نداشته باشند چگونه می‌توان از آن‌ها انتظار داشت که فرزندان را تربیت کنند تا جامعه از فقر فرهنگی دور بماند و برای حل این موضوع باید ساز و کارهایی را ایجاد کنیم تا خانواده‌ها به این حرکت مهم سوق دهیم.

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی عنوان می‌کند: بنابراین فرزندان امروز والدین آینده‌اند و ما تا چه میزان این فعالیت را انجام می‌دهیم تا خانواده با مهارت بیشتری به تربیت فرزندان خود بپردازد و نقش‌آموزش و پرورش در این زمینه بسیار مهم است که باید به وظایف و نقش خود در بهبود این امر مهم عمل کند.

حسینی درمیان بیان می‌کند: باید به این سوال پاسخ داد که تا چه اندازه تربیت در خانواده‌ها دارای اهمیت است. مشکلات خانواده برای فقر فرهنگی چهار مورد است در ابتدا تشکیل خانواده، تحکیم خانواده، توسعه خانواده، تعالی خانواده را شامل می‌شود و این چهار رکن یک فرآیند در هم تنیده است و اگر این چهار رکن را به خوبی انجام دهیم و مهارت‌های لازم را کسب کنیم می‌توانیم در بهبود این امر کمک کرد.

وی تصریح می‌کند: بنیان‌های خانواده را باید مستحکم کرد و این برمی‌گردد به نظام آموزش و پرورش که فرهنگ‌ساز است و برای انجام این کار نیاز به برنامه بلند مدت دارد و ما باید بسیاری از سنت‌ها را حفظ کنیم چراکه در حال فراموش شدن هستند و فرآیند کلی جامعه نشان می‌دهد که به عقب نرفتیم و با تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های مناسب می‌توانیم ساز و کارهای خوبی را در این زمینه داشته باشیم تا به رشد ایده‌آل برسیم.

این جامعه‌شناس می‌گوید: هزینه فرصت و هزینه اقتصادی باعث می‌شود تا خانواده‌ها بتوانند به یک جایگاه مطلوب برسند چراکه یکی از ارکان مهم توسعه اجتماعی در خانواده است و ما باید بیشتر بر روی

مقوله خانواده کار کنیم نقش‌ها را معین کرده و در تولیدات فرهنگی برای بسترسازی به این موضوع کمک بگیریم و همه چیز در بستر اجتماعی نفوذ پیدا می‌کند.

فقر فرهنگی، از عوامل سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است

در ادامه این میحث مهدی خادمی، یکی از روان‌شناسان مشهور در گفت‌وگو با ایسنا اظهار می‌کند: به عقیده بنده ریشه فقر فرهنگی می‌تواند یکی از عوامل انحرافات اجتماعی باشد و در جوامعی که توزیع ثروت بیشتر ممکن است به اعمال غیر اخلاقی و نادرست دست بزنند.

وی می‌گوید: ارتکاب جرایم طبقات فقیر، از شکافی که بین خواسته‌های جوانان آن طبقه وجود دارد با آنچه که در دسترس آن‌ها است، سرچشمه می‌گیرد و تمایل آنان برای دسترسی به موفقیت‌های اقتصادی و فرهنگی با محدودیتی که برای رسیدن به این موفقیت‌ها دارند، سرکوب می‌شود.

خادمی تصریح می‌کند: از طرف دیگر موقعیت آنان ایجاد می‌کند که سطح خواسته‌های خود را پایین بیاورند به همین دلیل این گروه از افراد جامعه به شدت احساس محرومیت می‌کنند و با به دست آوردن فرصت‌های مناسب به طرف جرم و جنایت سوق داده می‌شوند.

وی می‌افزاید: عده‌ای از این مجرمان بر اثر محرومیت و شکست، به مواد مخدر روی می‌آورند و در ردیف افراد منزوی و گوشه‌گیر قرار می‌گیرند و این بدان معنا نیست که تمام انحرافات اجتماعی و اخلاقی از فقر نشات می‌گیرد یا این که این انحرافات تنها مخصوص طبقه فقیر و پایین جامعه است، زیرا انحراف از قانون در زمان و مکان‌های مختلف متفاوت است.

این استاد دانشگاه می‌گوید: فقر یک پدیده اجتماعی است که ناشی از هماهنگی توزیع و تراکم جمعیت در مناطق جهان و عدم بهره‌گیری انسان‌ها از زمین و امکانات فعلی جهان شده است و رشد فزاینده فاصله بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه موجب می‌شود که به شناخت دقیق عوامل موثر در ایجاد این فاصله بپردازیم.

خادمی خاطر نشان می‌کند: سطح تحصیلات (بی‌سوادی و یا کم سوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیر رسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مولفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر نوجوان و جوان موثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دو چندان می‌کند.

وی در خصوص اینکه فقر فرهنگی علت پنهان بسیاری از طلاق‌ها است، بیان می‌کند: اندیشمندان و متفکران اجتماعی در تعریف فقر، سخن واحدی ارائه نداده‌اند و از دیدگاه‌های گوناگون به آن نگریسته‌اند اما بر این اتفاق نظر دارند که فقر فرآیندی است که عوارض گوناگونی را به دنبال دارد، به عنوان مثال آلبرتو دورینا؛ فقرشناس دهه هشتاد قرن بیستم در کتاب «فقر، پیشرفت و توسعه»؛ به دور از هر گونه تعریف به معنای لغوی فقر اشاره کرده و آن را در فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده است و از ارائه هر گونه تعریف شفاف از فقر سر باز زده است.

این روانشناس می‌افزاید: آنچه در مورد فقر و فرهنگ مورد توجه قرار می‌گیرد این است که تقریباً تمامی عناصر فوق فقر تاثیر گذاشته و آن را به صورت قالب‌های مطلوب خود در می‌آورد و تغییرات حاصل از آن نیز بر جامعه تاثیر بسیار می‌گذارد که به ندرت تاثیر مطلوبی بر جامعه می‌گذارند، به عنوان مثال در بعضی موارد می‌توانند سبب تلاش بیشتر جهت رهایی از فقر شوند، اما غالباً تاثیر مخربی می‌گذارند.

خادمی اضافه می‌کند: فقر فرهنگی به معنی مطلق کلمه، یعنی عدم بهره‌مندی از حداقل نیازهای اساسی زندگی در زمینه‌های مختلف فرهنگی مانند رفاه، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، اوقات فراغت، اشتغال و... است.

این روان‌شناس خاطر نشان می‌کند: فقر فرهنگی در جامعه مهم‌ترین علت ناهنجاری‌های اجتماعی است. بی‌شک بستر امنیتی جامعه از راه فرهنگ و اطلاع‌رسانی مناسب صورت می‌گیرد و اگر ساختار جامعه‌ای به شکل مطلوب آماده باشد، ناهنجاری‌ها، جرایم و تخلفات به حداقل می‌رسد.

وی اضافه می‌کند: یکی از مهم‌ترین عوامل فقر فرهنگی، مسئله خودباختگی است که اشخاص به دلیل خودباختگی سبب فقر خود شده‌اند و متأسفانه بسیاری از خانواده‌هایی که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، علیرغم داشتن پیشینه تمدن قومی، به این باور رسیده‌اند که هر آنچه دانش و تخصص وجود دارد از طرف کشورهای غربی به آن‌ها رسیده است.

خادمی اظهار می‌کند: فقر در جوامع اسلامی به فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و فقر تحمیلی که از جانب کشورهای دیگر، مدیون منابع طبیعی و نیروهای کار ارزان و متخصصی است که از کشورهای اسلامی و جهان سوم فراهم شده است.

این استاد دانشگاه عنوان می‌کند: زمانی که این کشورها مشغول ساختن زیرساخت‌های اقتصادی بودند و فاصله خود را با کشورهای دیگر کم می‌کردند، حاکمان و مسوولان اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی دچار غفلت یا به عبارت دیگر اصلاً از مهره‌ها و عوامل کشورهای ثروتمند بودند، تا بتوانند راحت‌تر به غارت و یغمای کشورشان توسط استعمارگران کمک کنند.

یکی دیگر از دلایل در فقر فرهنگی جامعه خود رسانه‌ها هستند.

وی می‌افزاید: ضعف اطلاع‌رسانی ممکن است با دادن اخبار نادرست، ترویج ناامنی و تشویق اذهان عمومی همراه باشد که در جهت جلوگیری از اطلاع‌رسانی ناصحیح رسانه‌ها باید با همکاری مناسب و تعامل سازنده با حوزه‌های خبری خود تا حدودی می‌توانند این ضعف را جبران کنند.

این روان‌شناس بیان می‌کند: یکی دیگر از دلایل و مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی، جهل و نادانی است. زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به طور طبیعی قادر نخواهد بود تغییر و تحولی در اوضاع زندگی خود ایجاد کند و حضرت علی (ع) علم و آگاهی انسان را اصل و ریشه هر خیر و جهل و نادانی را اصل و ریشه هر شری می‌داند، بنابراین مبارزه با جهل و نادانی در واقع مبارزه با فقر فرهنگی به حساب می‌آید.

وی در خصوص عوامل اصلی ایجاد فقر فرهنگی، می‌گوید: حملات بسیار گسترده‌ای که بر ایران در طول تاریخ وارد شده است، تولید انبوه ترس و هراس، تاثیر فرهنگی قوم مهاجم، تولید فاصله شدید طبقاتی، آب و هوا و فرهنگ و در آخر محافظه‌کاری و فکری و رفتاری را شامل می‌شود.

خادمی اضافه می‌کند: هنگامی که رفتارهای مردم کشورهای پیشرفته و ثروتمند را تحلیل می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اکثریت غالب آن‌ها از اصولی مانند اخلاق به عنوان اصل پایه، وحدت، مسئولیت‌پذیری، احترام به قانون و مقررات، احترام به حقوق شهروندان دیگر، عشق به کار، تحمل سختی‌ها به منظور سرمایه‌گذاری روی آینده، میل به ارائه کارهای برتر و فوق‌العاده و نظم‌پذیری در زندگی خود پیروی می‌کنند.

این روان‌شناس در ادامه این مطلب تصریح می‌کند: اما در کشورهای فقیر، عده اندکی از مردم از اصولی مانند فقر فرهنگی از فقر مالی مصیبت‌بارتر است؛ به همین دلیل جوانان باید بیش از پیش به سوی معنویات حرکت کنند، فقر فرهنگی از مشکلات کنونی جامعه است و رفع آن همت تمام مسوولان را می‌طلبد و فقر اقتصادی موجود در جامعه نیز به فقر فرهنگی برمی‌گردد و ملت ایران از نظر تاریخی از یک تمدن و فرهنگ برجسته‌ای در دنیا برخوردار است و فرهنگ غرب جز انحطاط، ابتذال و منکرات چیزی ندارد را پیروی می‌کنند.

وی می‌افزاید: ما از فرهنگ غنی برخوردار هستیم، اما از فقر فرهنگی هم رنج می‌بریم. شاید بسیاری از ارزش‌های فرهنگی دنیا را خیلی بهتر از ارزش‌های فرهنگی خودمان یاد داشته و صادقانه به دنبال این پاسخ باشیم که چرا فرهنگ خودمان جانمی‌افتد و تا غافل می‌شویم همه چیز به ابتذال می‌رود.



خدمی خاطر نشان می‌کند: اهمیت به قانون، سازمان و مدیریت براساس شایسته‌سالاری، اتخاذ سیاست‌های توسعه اقتصادی و صنعتی درست، ارتقای سطح کیفی تولیدات صنعتی و خدماتی را از راه‌های کاهش فقر در جامعه است و افزایش اشتغال نیروی کار مولد با توجه به این که تولید به عنوان اولویت شماره یک در هر جامعه مطرح است، اختصاص درآمد کافی و مناسب به نیروی کار و خانواده آن‌ها، پرورش نیروی متخصص، ایجاد فضای مناسب فرهنگی و تعادل و توازن اقتصادی و فرهنگی بین طبقات مختلف جامعه را از راه‌حل‌های مناسب برای از بین بردن فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.

این روان‌شناس عنوان می‌کند: فقر فرهنگی یا فرهنگ فقر، یک پاره فرهنگ است که در خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. می‌خواهم بگویم، فقر همه جا سر می‌کشد؛ فقر، گرسنگی نیست، عریانی هم نیست؛ فقر، حتی گاهی زیر شمش‌های طلا خود را پنهان می‌کند؛ فقر، چیزی را نیست، نداشتن؛ است، اما آن چیز پول نیست. طلا و غذا هم نیست. فقر، ذهن‌ها را مبتلا می‌کند. فقر، همان گرد و خاکی است که بر کتاب‌های فروش نرفته‌ی یک کتابفروشی می‌نشیند.

بخش بزرگی از رفاه و خوشبختی حاصل توسعه یافتگی است. اما توسعه یافتگی زمان‌بر است اما بعضی از کارها وجود دارد که اگر همین الان شروع کنیم نتیجه آن را دو ساعت و یا دو نسل بعد شاهد خواهیم بود و چه خوب است که برای بالا بردن سطح فرهنگ، رفتار، گفتار و تفکر خود از همین حالا آغاز کنیم و همه مشکلات را به پای درآمد کم و یا موارد دیگر نیاندازیم.

گزارش از مینا خلیل‌زاده؛ ایسنا- منطقه خراسان